

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهارت‌هایی برای پانزده ساله بودن

آموزش مفاهیم سوره‌های مبارکه لیل، شمس و اعلی
همراه با محتوای کتاب «پیام‌های آسمانی»

پایه نهم
دوره اول متوسطه

۱۳۹۷

درس پنجم

تبدیل خوب به خوب‌ترین

همانطور که درس‌های قبلی اشاره شد، انسان برای انجام دادن خوب‌ترین کارها آمده است، او نه تنها می‌تواند کارهای خوب انجام دهد (و این همان معنای اختیار داشتن اوست) بلکه می‌تواند کارهای خوب را به خوب‌ترین صورت انجام دهد.

شما می‌توانید چند مورد از کارهای خوب‌تان را نام ببرید، که در طی یک ماه گذشته تا به امروز، توانسته‌اید آنها را به صورت خوب‌تری انجام دهید؟

چنانکه در درس قبلی هم اشاره شد، سوره مبارکه شمس مجموعه‌ای از امکانات را بیان می‌کند که خداوند در اختیار انسان قرار داده است تا انسان بواسطه آن بتواند به فلاح و شکوفایی برسد. طبیعتاً رسیدن به اوج این شکوفایی در گرو آن است که انسان بهترین استفاده را از موقعیت خود برده و بهترین کارها را انجام دهد.

هر کاری حداقل دو بُعد دارد، بنابراین خوب‌تر شدن آن کار باید در هر دو بُعد باشد:

یک

هر کدام از ما کارهای مان را برای هدفی مشخص انجام می‌دهیم و از انجام دادن آن کار نیتی داریم. هر یک از ما ممکن است به فرد دیگری کمک کند ولی ...

- یکی کمک می‌کند برای آنکه دیگران این کمک کردن او را ببینند و از او تعریف کنند.
- یکی کمک می‌کند تا در روز دیگری که خودش به کمک احتیاج دارد از طرف مقابل بتواند درخواست کمک کند.

- یکی کمک می‌کند فقط برای اینکه کمک کردن از صفات خوب الهی است و او هم می‌خواهد تا آنجا که می‌تواند خدایی بشود، بنابراین هیچ انتظار و توقعی از ظرف مقابل ندارد

طبیعتا اگر قرار باشد شما در مورد زیبایی کار این سه نفر تصمیم بگیرید، با اینکه همه آنها کار یکسانی انجام داده و کمک به دیگری کرده‌اند، ولی نظر شما متفاوت خواهد بود. هر چه هدف و نیت انسان نیز در انجام دادن کاری خوب‌تر و زیباتر می‌شود، آن کار زیباتر خواهد شد.

بنابراین برای تبدیل خوبی‌ها به خوب‌ترین‌ها لازم است که نیت‌هایمان را در زندگی بهتر کرده و تا آنجا که می‌توانیم از روی اخلاص کارهایمان را انجام بدهیم.

دو

ممکن است که هر کدام از ما نیت یکسانی داشته باشیم و برای آن کار خوبی را انجام بدهیم، مانند اینکه تلاش کنیم تا به دیگران، حتی کسانی که از ما کوچک‌تر هستند، زودتر سلام کنیم ولی ...

- یکی سلام می‌کند ولی از آنجا که ممکن است آن روز حال خوبی نداشته باشد، سلامش خیلی سرد و بی روح است.

- یکی سلام می‌کند ولی چنان تند و سریع سلام می‌کند و می‌رود که حتی ممکن است طرف مقابل متوجه سلام کردن او نشود.

- یکی با روی باز و گشاده سلام می‌کند.

- یکی هم هر بار سعی می‌کند تا سلامی متفاوت داشته و هر بار سلامش را با کلماتی مهربانانه همراه کند، آنطور که دیگران هر روز منتظر سلام کردن او هستند، چون حس بسیار خوبی به آنها می‌دهد.

طبیعتا حتی اگر نیت افراد فوق هم شبیه هم باشد، باز شما سلام کردن آنها را یکجور ارزیابی نمی‌کنید، بلکه برخی از این سلام‌ها زیباتر و نیکوتر هستند.

بنابراین برای تبدیل کارهای خوب به خوب‌ترین کار، باید به نحوه انجام آن کار هم دقت کنیم. باید تلاش کنیم تا کارهای خوب‌مان را هر بار زیباتر و نیکوتر انجام بدهیم.

راه رسیدن به خوب‌ترین‌ها در سوره مبارکه شمس

در درس گذشته آیات ابتدایی سوره مبارکه شمس را مطالعه کرده و در خصوص نقشه «تسویه» در عالم هستی و زندگی انسان با هم صحبت کردیم.

یک بار دیگر سوره مبارکه شمس را با ترجمه آن به دقت مطالعه کن.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند مهربانتر مهربان
وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا (۱)	قسم به خورشید و نورافشانی‌اش
وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا (۲)	و به ماه هنگامی که از پی‌اش آمد
وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا (۳)	و به روز هنگامی که جلوه‌اش داد

و به شب هنگامی که می پوشاندش	وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴)
و به آسمان و آنچه آن را برافراشت	وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهَا (۵)
و به زمین و آنچه آن را گسترده	وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَحَاهَا (۶)
و به نفس و آنچه آن را سامان داد	وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا (۷)
و آنگاه بدی و تقوایش را به او الهام کرد،	فَالْهَمُّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا (۸)
رستگار شد هرکه آن را (نفس را) را تزکیه کرد	قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹)
و بازنده و ناامید شد هرکه آن را به بدی پوشاند.	وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)
قوم ثمود از روی سرکشی تکذیب کردند	كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱)
هنگامی که بدبخت ترینشان برانگیخته شد،	إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا (۱۲)
پس رسول خدا به آنها گفت:	قَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ
ناقه خدا را با آب خوردنش [آزاد] گذارید.	نَاقَةَ اللَّهِ وَ سُقْيَاهَا (۱۳)
تکذیبش کردند و [ناقه] را کشتند،	فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا
پس پروردگارشان به سبب گناهشان بر سرشان عذاب آورد	فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ
و [آن قوم را] با خاک یکسان کرد (سامان داد)؛	فَسَوَّاهَا (۱۴)
و از عاقبت آن نمی ترسد.	وَ لَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

چنانکه گفته شد خداوند در این سوره مبارکه نخست هشت قسم می خورد و در ادامه آن به بیان یک حقیقت بسیار مهم می پردازد.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹)

رستگار شد هرکه آن را (نفس را) را تزکیه کرد

وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)

و بازنده و ناامید شد هرکه آن را به بدی پوشاند.

«فلاح» به معنای شکوفایی است، مانند دانه‌ای که شکوفا شده، درختی تناور شده و نه تنها میوه می دهد، که همان یک درخت می تواند جنگلی را در اطراف خود ایجاد کند. انسان توان‌های بسیار عظیمی در وجود خود نهفته دارد، که اگر شکوفا شود، نه تنها میوه و ثمره می دهد، که می تواند در اطراف خود انسان‌های بسیار دیگری را هم جمع کرده و موجب شکوفایی تمامی آنها بشود.

در مقابل «فلاح»، «خبیت» است، و این یعنی همان بی‌ثمر ماندن و به نتیجه نرسیدن، اینکه دانه‌ای که می توانست جنگلی بزرگ را ایجاد کند، در همان مراحل ابتدایی رشد خود بماند و آن همه زیبایی و جلوه از او پدیدار نشود، انسان هم ممکن است دچار این محرومیت بشود، وقتی خود را مشغول کارهای بی‌پهلو کند، مسیر رشدش را به درستی طی

نکرده و تمام آن استعداد‌های بی‌نظیرش همه از دست می‌رود، انسانی که می‌توانست تمام عالم از ثمرات وجود او بهره برده و یا حتی دنیای جدیدی را بسازد، تنها در گوشه‌ای افتاده و بی‌نتیجه و بی‌ثمر می‌ماند.

آیا شما می‌توانید نمونه‌هایی از این شکوفایی بی‌نظیر و یا از دست رفتن و نابود شدن را در جریان زندگی بشر مثال بزنید؟

.....
.....
.....

نوجوانی را تصور کنید در همین حدود سنی خودتان، ۱۵ سالگی ...

- نوجوانی که هنوز هم نمی‌داند که چه توان بی‌نظیری در وجودش دارد، زندگی‌اش بدون هیچ برنامه خاصی سپری می‌شود و همچنان تمام وقت خود را مشغول بازی‌های کودکانه کرده است. بزرگ هم که می‌شود این محیط است که برای او تصمیم گرفته و آینده او را رقم می‌زند. او هیچ نقشی در عاقبت و نتیجه زندگی خود نداشته و طبیعتاً به دست‌آورد مهم و قابل توجهی نیز در زندگی‌اش نمی‌رسد.
- نوجوانی مانند ابراهیم علیه السلام که در همین سن و سال است. وارد شهر می‌شود در حالیکه مردم همچنان در زندگیشان به غیر از خدا دلبسته‌اند. او نمی‌تواند این وضعیت را بپذیرد، پس وارد میدان شده و برای هدایت مردم شهر کاری بزرگ می‌کند، کاری که تمام عالم را تکان می‌دهد، تا آنجا که خداوند هم آن را در آیات قرآن ذکر می‌کند.

و (به یاد آر) هنگامی که ابراهیم به پدر خود آزر (که پدر خوانده او بود) گفت: آیا بت‌هایی را به عنوان معبودهایی (برای خود) اتخاذ می‌کنی؟! حَقّاً که من، شما و قوم شما را در گمراهی آشکاری می‌بینم.

همان گونه (که به ابراهیم گمراهی پدر و قومش را می‌آموختیم) به ابراهیم مالکیت و ربوبیت تامّه (خود) بر آسمان‌ها و زمین را نشان می‌دادیم (برای آنکه دانا و توانا در استدلال شود) و برای آنکه از باورکنندگان باشد.

پس چون شب بر او پرده تاریکی کشید ستاره‌ای دید، (برای احتجاج با مشرکان) گفت: این همان پروردگار من است، پس چون آن ستاره غروب کرد، فرمود: من غروب کنندگان را دوست ندارم. (خدا که نمی‌تواند چیزی باشد که غروب می‌کند.)

پس چون ماه را در حال طلوع و شکافنده افق دید گفت: این پروردگار من است. و چون غروب کرد، گفت: حَقّاً که اگر پروردگار من را هدایت نکند حتماً از گروه گمراهان خواهم بود.

و چون خورشید را در حال برآمدن و درخشان (آفاق) دید گفت: این پروردگار من است، این بزرگتر است! و چون غروب نمود، گفت: ای قوم من، قطعاً من از آنچه شریک (خداوند) قرار می‌دهید بیزارم.

به یقین من روی (دل) خود را به سوی کسی که آسمان‌ها و زمین را پدید آورده متوجه نمودم در حالی که با اخلاص و حق‌گرایم. و من از شرک‌آوران نیستم.

و قوم او با وی (درباره توحید) به جدال و ستیز برخاستند، گفت: آیا با من درباره خدا مجادله می‌کنید در حالی که او من را هدایت نموده؟ و من از آنچه شما شریک او می‌سازید نمی‌هراسم، جز آنکه پروردگارم (درباره من) چیزی بخواهد؛ دانش خداوند همه چیز را فرا گرفته است، آیا متذکر نمی‌شوید؟!

چگونه من از آنچه شما شریک خدا کرده‌اید بترسم در حالی که شما از اینکه چیزی را که خدا درباره او دلیلی بر شما نازل نکرده شریک خدا نموده‌اید نمی‌هراسید؟ پس کدام یک از دو گروه (موحّدان یا مشرکان) سزاوارتر به ایمنی است، اگر می‌دانید؟!

کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی نیامیختند آنها را به ایمانی است، و آنها هدایت‌یافتگانند.

آن (ادله توحیدی) حجت و برهان ما بود که به ابراهیم در برابر قومش عطا کردیم. هر کس را بخواهیم درجاتی بالا می‌بریم، (و ابراهیم را به نبوت و امامت و دوستی نزدیک خود بالا بردیم) حقا که پروردگار تو دارای اتقان صنع در تکوین و تشریح، و داناست. سوره مبارکه انعام، آیات ۷۴ تا ۸۳

داستان فوق یک نمونه است از شاهکارهای یک نوجوان در همین سن و سال خود شماس، الگویی که نشان می‌دهد چگونه یک نوجوان می‌تواند با همان سن کم، عالمی را متحول کند و پرچمدار جریانی توحیدی در عالم شود. به نظر شما چه کارهایی است که موجب می‌شود انسان به این حد از شکوفایی برسد؟ در مقابل چه کارهایی است که انسان را از این عاقبت نیک محروم ساخته و موجب بی‌ثمر شدن زندگی انسان و از دست دادن استعدادهای ذاتی او می‌شود؟

سوره مبارکه شمس پاسخ را در دو واژه «زگی» و «دسی» می‌داند. آنکه «تزکیه» (زگی) می‌کند به شکوفایی رسیده و آنکه نفس خود را «تدسیس» (دسی) می‌کند، دچار آن بدبختی و محرومیت خواهد شد.

«تزکیه» به معنای پاک کردن و تمیز کردن است، وقتی درخت را انواع آفت‌ها و حتی از شاخ و برگ‌های اضافه‌اش پاک می‌کنند، آن را تزکیه می‌کنند تا بتواند بهتر رشد کند. تزکیه کردن به معنای پاک کردن نفس از موانعی است که مانع رشد و شکوفایی آن می‌شوند.

«تدسیس» هم به خلاف معنای «تزکیه» است، وقتی انسان مراقبت نکرده و نفس را پاک و تمیز نکند، به مرور بواسطه انباشته شدن آفت‌ها و موانع، نفس توان حرکت و تعالی خود را از دست داده و در زیر انبوه این موانع برای همیشه از دست می‌رود. در واقع «تدسیس» نفس را زیر بار موانع و مشکلات رها کرده و بدین ترتیب موجب از دست رفتن استعدادها و توان‌های شگفت‌انگیز او می‌شود.

سوره مبارکه شمس در دسته دوم آیات، به داستان قوم ثمود به عنوان نمونه‌ای از «تدسیس» اشاره می‌کند. کارهای این قوم را که در سوره به آن اشاره شده است فهرست کنید و در مورد هر یک با هم گفتگو کنید. (این کارها مصادیق «تدسیس» هستند، لازم است که آنها را شناخته و تلاش کنیم که در زندگی خود از این کارها دور شویم.)

۱. تکذیب کردن

قبول نداشتن وعده‌های الهی است که خداوند توسط رسولان خود به انسان‌ها گوشزد نموده است. اینکه انسان حقایقی چون آخرت را قبول نکرده و در زندگی‌اش بر اساس آن زندگی نکند.

۲. سرکشی کردن (طغیان ورزیدن)

.....
.....
.....

۳. برانگیختن بدبخت‌ترین فرد (أشقی)

وقتی در جامعه‌ای، بدبخت‌ترین فرد (أشقی) آن جامعه می‌تواند کاری را انجام دهد و تمامی افراد آن جامعه در مقابل کار او سکوت می‌کنند، همین مسئله زمینه «تدسیس» در آن جامعه است. بدین ترتیب تمام افراد یک جامعه امکان شکوفایی خود را از دست می‌دهند. مانند ماجرای کربلا که عده‌ای اقدام به کاری زشت و

پلید می‌کنند و بقیه افراد جامعه در مقابل کار آنها سکوت می‌کنند و این فرصت را برای بدبخت‌ترین انسان‌ها فراهم می‌کنند. بدین ترتیب تمامی آن جامعه امکان شکوفایی را از دست می‌دهند. (برای شناخت ویژگی‌های بدبخت‌ترین انسان می‌تواند به سوره مبارکه لیل در درس سوم کتاب مراجعه کنید).

..... ۴.

.....
.....
.....

..... ۵.

.....
.....
.....

چنانکه گفته شد، «تدسیس» در مقابل «تزکیه» است. بنابراین با توجه به کارهای فوق که به عنوان نمونه‌های «تدسیس» نوشته شده‌اند، کارهایی را که موجب «تزکیه» می‌شود فهرست کرده و در مورد آن توضیح دهید.

۱. تکذیب نکردن (قبول داشتن و پذیرفتن)

.....
.....
.....

۲. سرکشی نکردن و طغیان نورزیدن

انسان باید در زندگی سرکشی نکرده و از حدود الهی نگذرد. رعایت حدودی که خداوند برای زندگی انسان در نظر گرفته (آنچه خداوند آن را حلال و حرام دانسته است). یکی از مهمترین محورهای رعایت «تزکیه» است.

۳. مقابله و مبارزه با کارهای بدبخت‌ترین انسان‌ها (أشقی)

.....
.....
.....

..... ۴.

.....
.....
.....

..... ۵.

.....
.....
.....

نگاهی به کتاب درسی

- امام صادق (ع) درباره هدایت و رهبری مردم (هدایتگران واقعی مردم) در عصر غیبت فرمودند: مردمی که می بینند عالمانشان آشکارا گناه می کنند و در جمع آوری دنیا و اموال حرام حریص اند، ولی باز هم از این گونه عالمان پیروی می کنند، مانند برخی یهودیانی هستند که خداوند در قرآن آنان را به دلیل پیروی از عالمان بدکارشان سرزنش می کند. بر مردم واجب است از فقیهان پرهیزکار، که از دین خود محافظت و برخلاف هوای نفس خود رفتار می کنند و مطیع دستور خداوند هستند، پیروی کنند.
- هر یک از ویژگی‌های چهارگانه عالمان، که در سخن امام صادق علیه السلام خواندیم موجب می شود رهبران جامعه از انجام کارهایی که سعادت دنیا و آخرت مردم را به خطر می اندازد دوری کنند.
- فقیهان، نایب و جانشین امام زمان علیه السلام به شمار می روند و همان گونه که مردم در زمان امامان معصوم موظف بودند از آنان اطاعت کنند، در عصر غیبت نیز باید از جانشینان امام زمان علیه السلام یعنی فقیهان پیروی کنند.
- به رهبری و هدایت مردم جامعه توسط فقیه جامع شرایط، ولایت فقیه گفته می شود. ولی فقیه، اسلام شناسی است دانا، شجاع، مدیر و مدبر که در هر زمان با در نظر گرفتن مصلحت جامعه تمام توان و امکانات برای پاسداری از دین و اجرای احکام الهی در جامعه استفاده می کند و نمی گذارد دشمنان اسلام با به خطر انداختن کشور اسلامی مانع اجرای دستورهای خدا شوند.

اگر کسی که در رأس کشوری اسلامی قرار می گیرد نتواند احکام الهی را از غیر آن تشخیص دهد، دیگر نمی توان انتظار اجرای احکام را داشت. پس لازم است فقیه در رأس حکومت اسلامی باشد. اما شناخت احکام نیز به تنهایی ضامن اجرای آن نیست. بسیاری از مواقع دشمنان در مسیر اجرای احکام مانع ایجاد می کنند.

اگر کسی که در رأس کشوری اسلامی قرار گیرد نتواند موانع موجود در مسیر اجرای احکام الهی را شناخته و با شجاعت و توان مدیریتی خود این موانع را از سر راه بردارد، دیگر نمی توان انتظار اجرای احکام را داشت. پس لازم است ولی فقیه که شجاع، مدیر و مدبر است، در رأس حکومت اسلامی باشد.

اگر خاکی که گیاه در آن رشد می کند و آبی که دریافت می کند، توسط باغبان مراقبت نشود، گیاه به احتمال زیاد از رشد باز می ماند. انسان ها نیز این گونه هستند. بنابراین حکومت اسلامی و ولی فقیه در یک کشور با برداشتن موانع موجود در مسیر رشد انسان ها شرایط رستگاری افراد جامعه را تسهیل می کنند.

علاوه بر این تشکیل حکومت اسلامی با رهبری ولی فقیه خود تلاشی در جهت ظهور امام عصر علیه السلام و به نمایش در آمدن نیکی ها می باشد. در جامعه اسلامی است که به خاطر بودن شرایط می توان به تبدیل خیر به حسن و نمایش خوبی ها به بهترین شکل اندیشید.

تمرین عملی

لازم است که ما در زندگی خود، تبدیل کار خوب را به خوبترین کار با جدیت پیگیری کرده و آن را بارها و بارها تمرین کنیم، تا این توان در ما تثبیت شده و به جریان همیشگی زندگی مان تبدیل شود.

تمرین اول

در درس قبلی فهرستی از کارهای خوب کوچک و بزرگ خود تهیه کرده‌اید. به آن فهرست مراجعه کرده و تعدادی از کارها را انتخاب کنید.

کارهای خوب انتخاب شده را در جدول زیر وارد کرده و پیشنهادی برای خوب‌تر شدن آن کار ارائه دهید.

پیشنهاد خوب‌تر انجام دادن آن کار	کار خوب که انجام می‌دهم.

تمرین دوم

چنانکه در سوره مبارکه شمس بیان شد، «تزکیه» به معنای کنار گذاشتن موانع رشد و تعالی نفس است، موانعی که امکان انجام دادن کارهای خوب و یا تبدیل آنها به کارهای خوب‌تر را از انسان سلب می‌کند. با توجه به کارهایی که در جدول تمرین اول یادداشت کرده‌اید، این بار موانعی را که ممکن است مانع خوب‌تر کردن این کارها بشود فهرست کنید. (خوب است که این تمرین را به صورت گفتگوی جمعی انجام دهید تا دیگران هم بتوانند به موانع این کار اشاره کنند، بدین ترتیب دید جامع‌تری نسبت به موانع پیدا می‌کنید.)

کاری که می‌خواهم آن را به صورت خوب‌تری انجام بدهم.	موانعی که نمی‌گذارند این کار به خوب‌ترین صورت انجام شود.

تمرین سوم

با توجه به ضرورت تزکیه برای رسیدن به شکوفایی و انجام خوب‌ترین کار، برنامه‌ای جهت رفع موانع فوق در نظر بگیرید. این برنامه را در دفترچه ۱۵ سالگی خود یادداشت کرده و آن را به صورت مستمر پیگیری کنید.

تمرین چهارم

چنانکه گفته شد یکی از مهمترین وجوه برای تبدیل کار خوب به خوبترین کار، اصلاح نیت‌هاست. کارهایی را که می‌خواهید آنها را به صورت بهترین کار انجام دهید در نظر آورده، و تلاش کنید تا اخلاص در نیت را در آن کارها بالا ببرید. طبیعتاً مواردی چون مخفی انجام دادن کارهای خوب و یا عدم توقع و انتظار از دیگران می‌تواند بر اخلاص شما در انجام آن کار بیافزاید.

بر اساس این موارد نحوه انجام کارهای خود را ارتقاء دهید.